

## زمینه ها و سازوکارهای نظارتی برون سازمانی زندانیان

مجید ابراهیمی<sup>۱</sup>، الهام جوانمردی فرد<sup>۲</sup> پرویز اعتباریان خوراسگانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد

### چکیده

قطع ارتباط محکوم با دنیای خارج به دلیل زندانی شدن باعث می شود بسیاری از حقوق ذاتی و اجتماعی وی تحت الشعاع قرار بگیرد؛ از این رو اهمیت رعایت حقوق و توجه به افراد زندانی دو چندان می شود. قاضی ناظر زندان که به نوعی قاضی اجرای حکم در زندان نیز هست به دلیل ارتباط نزدیک با زندانیان و آگاهی کامل از حقوق و مشکلات زندانیان می تواند ضامن حفظ حقوق آنان بشود. نظارت (کنترل) از اجزای شناخته شده مدیریت محسوب می شود، بطوریکه بدون توجه به اصل نظارت (کنترل) سایر اجزا مدیریت، مانند برنامه ریزی، سازمان دهی و هدایت و بسیج منابع نیز ناقص است و تضمینی برای انجام درست آن ها وجود ندارد. قاضی ناظر زندان به عنوان یکی از اشخاص تأثیرگذار در مدیریت زندان با نظارت بر اجرای قوانین، آیین نامه ها و دستورالعمل های مرتبط با زندانیان می تواند از تضییع حقوق زندانیان جلوگیری به عمل بیاورد. پژوهش حاضر با هدف احصاء و تبیین وظایف نظارتی بر حقوق زندانیان انجام شد. پس از مرور قوانین و مقررات، آیین نامه ها و دستورالعمل ها، وظایفی همچون، نظارت بر امور زندانیان، نظارت بر تفکیک زندانیان، نظارت بر بهداشت و تغذیه زندانیان، نظارت بر کمیت و کیفیت اتاق های زندانیان، نظارت بر ملاقات و ارتباط زندانی با دنیای خارج از زندان، نظارت و رسیدگی به زندانیان بیمار و نظارت بر تصمیمات شورای انضباطی و مانند این ها برای حفظ حقوق زندانیان احصاء و تبیین شد. بر اساس یافته های این تحقیق و مذاقه در قوانین و بالأخص آیین نامه سازمان زندان ها مشخص شد که به طور مثال قاضی ناظر زندان بر تصمیمات شورای طبقه بندی نظارت استصوابی و بر تصمیمات شورای انضباطی نظارت اطلاعی و یا اینکه قاضی ناظر زندان، نظارت اجرایی بر بهداری و زندانیان بیمار را دارد. اما پیشنهاد می شود که برای تضمین حقوق زندانیان نیز پیشنهاد شد تا هیات های بازرسی غیر وابسته به سازمان زندانها و دادگستری تشکیل گردد.

**واژه های کلیدی:** مسئولیت، نظارت، کنترل و حقوق زندانیان.

## ۱. مقدمه

بیش از ۱۰ میلیون مرد و زن در جهان به عنوان زندانی، در کشور های مختلف و در مکان هایی کم و بیش مشابه، بخاطر تخطی از قانون و به حکم دستگاه عدالت باید چند ماه یا چند سال و گاه تا پایان عمر را در پشت میله های زندان بگذرانند (<http://goo.gl/QW6RNd>). حکم به زندان در واقع حکم به محدودیت یا محرومیت از بعضی از آزادی ها است ولی نه تمام آنها. این حکم علی الاصول باید با رعایت حقوق انسانی زندانی به مورد اجرا گذارده شود. رفتار خشن، اهانت و تعرض به تمامیت جسمی و روحی در حکم قاضی وجود ندارد و از تبعات اجرای مجازات زندان نیست. حکم به حبس در واقع دستور نگهداری زندانی در مکانی امن با قواعد و نظامات خاص است. این حکم شان انسانی زندانی را زائل نمی کند.

بنابراین باید پوشاک و محل خواب، آب و غذای بهداشتی مناسب به موقع و به اندازه کافی به او داده شود، امنیت جانی وی تامین گردد و از ابتلاء به انواع بیماری ها عفونی و واگیر دار در امان باشد؛ اگر بیمار شد به موقع درمان شود، ارتباط عاطفی و خانوادگی او قطع نشود، در صورت نیاز بتواند از خدمات روان شناسی و روان پزشکی استفاده کند و.... طبق مقررات جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف سازمان زندان ها، برنامه ریزی برای، مراقبت قبل و بعد از خروج زندانی، با همکاری دستگاه های ذیربط است. بند ح ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و بند ۱۴ ماده ۲۳ همین قانون، تمهیداتی را در این راستا در نظر گرفته است. در جهت نیل به این مقصود، آیین نامه ی مراکز مراقبت بعد از خروج زندانیان، در تاریخ ۷۸/۲/۱۳ به تصویب ریاست محترم قوه قضاییه رسید. در ماده یک این آیین نامه آمده است:

«در راستای اصلاح و تربیت زندانیان، با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده واجد شرایط که در این آیین نامه مددجو نامیده می شوند و فراهم نمودن زمینه مساعدت جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی اداره مراقبت بعد از خروج در مرکز هر استان و در صورت نیاز در شهرستان ها با تصویب ریاست سازمان تحت نظارت اداره کل زندان های استان مربوطه ایجاد می گردد.» در ادامه به قوانین مربوط به این موضوع خواهیم پرداخت.

نظارت و کنترل بر حقوق زندانیان در مقررات داخلی

در ایران نیز همانند سایر کشورها نهادها و موسسات نظارتی خاصی جهت پیگیری احقاق حقوق بنیادین و اولیه زندانیان پیش بینی و معرفی شده است، که هدف اصلی و بنیادین تاسیس برخی از این نهادها، به عنوان رکن اصلی تاسیس ان ها همین پیگیری هایی که ذکر شد می باشد و شامل ۴ بخش کلی است که در ذیل به معرفی یک به یک آنان می پردازیم:

نظارت درون سازمانی

نظارت بر اجرا و احقاق معیارهای حقوق بشر زندانیان در مجموعه اداری زندان از طریق گوناگون و البته قانونی ذیربط و به خاطر فوریت و اینکه در محل زندان می باشد. از اولویت بیشتر و ویژه ای برخوردار می باشد. که سازمان زندان ها پس از تشکیل و تبدیل به شورای سرپرستی به سازمان زندان ها و تصویب این نهاد و در تاریخ اسفند ۱۳۶۴ و با به تصویب رساندن آئین نامه زندان ها، مسئولیت ها و وظایف قانونی خود را در این مورد آغاز نمود. و نظارت بر حسن اجرای این معیارها را در داخل زندان ها به عهده ۳ ارگان نهاده است.

نظارت توسط رئیس زندان

مطابق «ماده ۲۴ بندز» آئین نامه زندان ها یکی از وظایف رئیس زندان و روسای سایر مراکز وابسته به زندان ها، بازرسی و کسب اطلاعات لازم به صورت مداوم از وضعیت عمومی و فردی زندانیان و رسیدگی های اولیه و مقدماتی به خواسته های آنان و اعلام آن به مقامات مسئول و مراقبت در شیوه برخورد و رفتار مامورین زندان با زندانیان می باشد. هم چنین زندانیان این حق را دارند که مطابق ماده ۱۷۴ آئین نامه مذکور، تقاضا و شکایات خود را به صورت شفاهی یا کتبی با رئیس زندان یا موسسه مربوطه ملاقات نمایند و مراتب را به رئیس زندان منتقل نمایند.

بند دوم: نظارت توسط حفاظت و بازرسان زندان

به استناد ماده ۱۶۷ آیین نامه سازمان زندان ها هر زندانی می تواند اگر اعتراضی دارد به قسمت حفاظت و بازرس زندان ارائه و یا در صندوق شکایات بیندازد و به همین منظور صندوق هایی در محل های مناسب نصب و حداقل هفته ای یک بار تخلیه می شود. ماده ۲۰۷ آیین نامه زندان ها صراحتاً مقرر می دارد: «واحدهای بازرسی ادارات کل موظفند برای هر زندان صندوق شکایات تهیه و در دسترس زندانیان قرار دهند تا در صورتی که زندانیان از امور بازداشتگاه یا زندان شکایت داشته باشند بتوانند شکایت خود را با ذکر دلیل و ضمن نامه ای که هویت دقیق زندانی روی پاکت قید شده باشد، مستقیماً در صندوق مذکور قرار دهند. این صندوق هر هفته یک بار توسط بازرسی اداره کل باز و شکایت آن به وسیله واحد بازرسی تعیین تکلیف می شود.»

شورای برنامه ریزی و مدیریت بهداشت روان و اصلاح رفتار زندانیان

براساس بعضی از اصول قانون اساسی و همچنین قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان ها به سازمان زندان ها و با در نظر گرفتن اهمیت اصلاح رفتار مجرمان و بازپروری آنان و ایجاد مصونیت هر چه بیشتر زندانیان آزاد شده از زندان به منظور هماهنگی هر چه بیشتر در امور برنامه ریزی و مدیریت بهداشت و روان و روان درمانی و برنامه های مختلف و متنوع اصلاح و رفتار در زندان های کشور و نیز تحقق بخشیدن به اهداف سازمانی این شورا در سازمان زندان ها تشکیل و اعضای آن به وسیله ریاست سازمان پس از تایید ریاست قوه قضاییه انتخاب می گردند.

از وظایف مهم نظارتی این شورا پیرامون معیارهای حقوق بشری راجع به زندانیان می توان به طراحی، هدایت و نظارت بر برنامه ریزی های روان درمانی و اصلاح رفتار زندانیان کشور در بستر فرهنگ و ارزش های اسلامی، ارزیابی مستمر برنامه های روان درمانی، بهداشت روان و خدمات مشاوره ای موجود در زندان ها و سایر مراکز تاملینی و تربیتی کشور اشاره نمود. (گودرزی، ۱۳۸۳: ۲۳۰)

نظارت برون سازمانی (توسط قوای سه گانه)

لزوم وجود نهادها و سازمان هایی که با پشتوانه قوی قانونی بتواند درصدد رفع و حل مشکلات و معضلات فراروی تحقق معیارهای حقوق بشری در جامعه و از جمله زندانیان بر آیند، از سوی قانونگذاران به شدت احساس شده. لذا در قوای مقننه، قضاییه و مجریه، راه کارها و نهادهایی به منظور نظارت بر رعایت و اجرای معیارهای حقوق بشری در کشور ما تاسیس گردیده است.

نظارت توسط قوه مقننه

الف: کمیسیون اصل نود

در بعضی از کشورها، شکل دیگری از نهاد ملی برای رسیدگی به شکایت های مربوط به نقض حقوق بشر که معمولاً به وسیله پارلمان تعیین می شود وجود دارد که از آن به بازپرس یا ناظر پارلمانی حقوق بشر COMBUDSMAN تعبیر می شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اینکه دادگستری را مرجع رسیدگی به شکایات و تظلمات دانسته است. مع الوصف در اصل نود مقرر داشته: هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد می تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید: و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند. قلمرو رسیدگی مجلس در این خصوص بسیار وسیع و گسترده است بدین معنی که هر کس می تواند از کار تمام قوای حاکم «مقننه، مجریه و قضاییه» و کلیه سازمان هایی که به هر نحو، زیر نظارت این قوا هستند شکایت کند.

مکاتب با مراجع مورد شکایت، دعوت از مقام های مسئول ان مراجع اعزام هیات تحقیق و بررسی و تحلیل قضیه برای شناخت مراتب تخلف و ارائه جواب کافی، مجموعه اقدامات گسترده ای است که مجلس را به محض وصول شکایت درگیر می سازد. (هاشمی، ۱۳۷۲: ۲۲۲)

بنابراین در راستای اصل نود قانون اساسی کمیسیونی به نام کمیسیون اصل نود، برای رسیدگی به اصل نود تشکیل گردید. کمیسیون مذکور می تواند جهت کسب اطلاعات کافی از مسئولیت قوای سه گانه دعوت یا مستقیماً با آنها مکاتبه نماید و آنها مکلف به اجابت هستند، در صورت تخلف و ثبوت جرم به خاطر عدم پاسخ گویی و جواب قاطع کننده در اسرع وقت متخلف به مجازات حبس از سه ماه تا یکسال و انفصال از خدمات دولتی از شش تا یکسال محکوم خواهد شد.

به علاوه جواب خلاف واقع نیز همین مجازات را خواهد داشت. چنانچه شکایتی نیاز به تحقیق داشته باشد کمیسیون می تواند بازرس یا بازرسان را از میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب هیات رئیسه کمیسیون اعزام نماید. در این صورت مسئولیت زیربط موظفند همکاری لازم را از هر جهت با آنان معمول دارند. نکته ای که درباره کمیسیون اصل نود باید به آن اشاره کنیم این است که طی سال های گذشته، اقدامات و پیگیری های این کمیسیون عمدتاً در راستای مسائل و موضوعات تعداد انگشت شماری از زندانیان یعنی زندانیان سیاسی و آن هم در جهت اهداف و تفکرات جناحی نمایندگان مجلس بوده است.

ب: تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی

نظارت های گوناگون پارلمانی اقتضا می کند که مجلس درباره امور کشور به تحقیق و بررسی بپردازد. در همین راستا اصل ۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. قانون اساسی در این خصوص اختیار وسیعی را برای مجلس شورای اسلامی قائل شده و با ذکر عبارت «کلیه امور» در مفهوم مادی همه مسائل داخلی و بین المللی و تفحص از حقوق خاصه مجلس به شمار می رود و نمایندگان در این خصوص حق مستقلی را دارا نیستند، در هر صورت چنانچه مجلس اقدام به تحقیق و تفحص نماید ارکان موضوع تحقیق و تفحص موظف است کلیه مدارک و اطلاعات مورد نیاز کمیسیون را برای بررسی در اختیار مجلس قرار دهد.

نظارت توسط قوه قضاییه

الف: بازرسی های سازمان بازرسی کل کشور

یکی از وظایف قوه قضاییه، نظارت بر حسن اجرای قوانین است. به همین جهت اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر داشته: براساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می گردد.

طبق ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، بازرسی مستمر کلیه وزارت ها و ادارات و نیروی انتظامی موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها، دفاتر اسناد رسمی و موسسات عام المنفعه و نهادهای انقلابی و سازما هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه سهام آنها متعلق به دولت است؛ یا دولت به نحوی از انجا بر آن نظارت دارد یا کمک می نماید، از وظایف و اختیارات این سازمان است.

همچنین به موجب ماده ۶ همین قانون در هر مورد که تعقیب جزایی ضرورت پیدا می کند مراتب به پیشنهاد بازرسی یا رئیس هیات بازرسی از طریق سازمان به دادستان محلی اعلام و تا حصول نتیجه پیگیری خواهد شد و در صورتی که خود دادستان یا حاکم شرح مورد تعقیب قرار گیرد مراتب سریعاً به رئیس قوه قضاییه گزارش تا دستور لازم صادر شود.

ب: دیوان عدالت اداری

طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها با آئین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تاسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون معنی می کند. صلاحیت دیوان عدالت اداری طبق ماده ۱۰ و ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز اشاره شده است که:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارت خانه ها و سازمان ها و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و موسسات وابسته و

همچنین رسیدگی به شکایات و تظلمات مربوط به آئین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها و احقاق حقوق اشخاص در صورت تضییع حقوق اشخاص و تخلف مراجع مربوطه در اجرا قانون و مقررات.

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی دادگاه های اداری ...

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مضمولین استخدام کشوری و ... (مهرپور، ۱۳۷۷: ۳۹۷)

با ملاحظه اهداف، وظایف و اختیارات دیوان ملاحظه می شود که زندانیان هم به عنوان عضوی از مردم، چه در رابطه با مسائل و مشکلات پیش آمده در درون زندان و چه در مورد موضوعات مختلفی که قبول و بعد از ورود به زندان با آن دست به گریبان بوده و به نحوی از انجا مشمول رسیدگی های دیوان بوده، می توانند شکایات و اعتراضات خود را به این مرجع ارائه دهند.

پ: کمیسیون حقوق بشر اسلامی

این کمیسیون به همت جمعی از حقوق دانان و شخصیت های مستقل پس از طی روند لازم مطالعه و بررسی، در سال ۱۳۷۳ از سوی ریاست قوه قضاییه و با ریاست ایشان تاسیس شد و اعلام موجودیت کرد. کمیسیون حقوق بشر با داشتن کمیسیون های پنج گانه علمی، پژوهشی، مراقبت، برنامه ریزی، امور زنان و پیگیری و اهدافی چون نظارت بر چگونگی برخورداری و رعایت حقوق بشر اسلامی به وسیله شخصیت های حقوقی و حقوقی، بررسی وضعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی در زمینه حقوق بشر و همکاری با سازمان های ملی و بین المللی حقوق بشر به ویژه رسیدگی و پیگیری مسائل مربوط به جمهوری اسلامی ایران، تاکنون عملکردهای مطلوبی در راستای معیارهای حقوق جهانی بشر و من جمله راجع به زندانیان داشته است و می تواند به همین گونه نیز تداوم یابد. ذیلاً به برخی از اقدامات کمیسیون که بعضی از آنها با حقوق زندانیان وابستگی تام دارد نگاهی می افکنیم:

۱- رسیدگی به شکایات و گزارش های واصله متضمن ادعای نقض حقوق بشر در ایران و کشورهای مختلف جهان، چه از داخل و چه از خارج کشور. «تعداد موارد اعلام شکایات و رسیدگی به آنها تا پایان سال ۷۷، بیش از ۳۵ هزار مورد بوده است».

۲- بازدیدهای منطقه ای جهت نظارت بر حقوق بشر، اعم از داخل و خارج کشور، از جمله بازدیدهای مکرر از زندان ها و مراکز ذیربط و یا بازدید فوری از مناطق شهری ایران برای احراز صحت و سقم گزارش واصله مبنی بر نقض حقوق بشر، تعداد بازدید از زندان ها و مراکز تأمین و تربیتی بین سال های ۷۵ - ۷۷، ۹۶ مورد بوده است.

۳- برگزاری مستقل اجلاس های تخصصی حقوق بشر از جمله اجلاس اول و دوم بررسی رعایت حقوق بشر در قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران تیر ماه ۷۶ و ۷۷. کمیسیون حقوق بشر اسلامی با توجه به نحوه تشکیل و اعضای آن و ریاست قوه قضاییه بر آن، طبعاً یک سازمان غیر دولتی نبوده و بلکه با عنایت به ماده یک اساسنامه کمیسیون، آن را باید به مثابه یک نهاد ملی حقوق بشری قلمداد نمود. هر چند که کپینورن، نماینده ویژه سازمان ملل، یا دولتی و عامل دولت خواندن کمیسیون حقوق بشر اسلامی اقدامات و فعالیت های آن را کمرنگ جلوه داده است. «گزارش A۵۲ مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ شماره ۵۸»  
ت: ستاد حقوق بشر قوه قضاییه

ستاد حقوق بشر قوه قضاییه از دیگر نهادهای نظارتی در نظام حقوقی کشورمان پیرامون رعایت معیارهای حقوق بشری زندانیان هم از این امر مستثنی نیستند. بررسی آئین نامه ستاد حقوق بشر قوه قضاییه به ویژه بندهای ۱۱ گانه ماده ۵ که اکثراً با واژه هایی چون بررسی، شناسایی و تشخیص آغاز ماده وظایف و صلاحیت های ستاد چنین آورده شده است:

بند ۲ ماده ۵: «بررسی مشکلات حقوقی، قضایی مرتبط با حقوق بشر اسلامی و ارائه راه حل های اجرایی و متناسب با قوانین جمهوری اسلامی ایران با تشکیل کمیته ای از صاحب نظران قوه قضاییه و دانشگاه».

بند ۷ ماده ۵: در بررسی ادعاها و شکایاتی که از نظر قوانین جمهوری اسلامی ایران وارد تشخیص داده می شود و ارائه گزارش به رئیس قوه قضاییه جهت اتخاذ تصمیم لازم است.

نظارت از سوی قوه قضاییه

با توجه به اصل تفکیک قوا و نظریات تفسیری شورای نگهبان مبنی بر عدم دخالت رئیس جمهور و قوه مجریه در امر سایر قوا به ویژه پس از درخواست رئیس جمهور سابق بر مبنی بر بازدید از زندان ها، این بحث نظارتی تا حدود زیادی کم رنگ شده

است و تقریباً یکی از نهادهایی که در این زمینه فعال است می توان به مراکز امور مشارکت زنان نهاد خانواده ریاست جمهوری اشاره نمود.

این مرکز که ابتدا در سال ۱۳۷۰ تحت عنوان دفتر امور زنان از سوی رئیس جمهور تشکیل شده بود دارای واحدهایی با عناوین:

(۱) نمایندگی مرکز در مجلس شورای اسلامی

(۲) واحد رسیدگی به شکایات و بررسی مشکلات

(۳) کمیسیون های ۹ گانه بوده و هدفش توسعه مشارکت زنان در امور مختلف و حفظ ارتقاء حقوق آنان می باشد. برخی کمیسیون های ۹ گانه این مرکز عبارتند از: آموزش، اشتغال، بهداشت، درمان، و تغذیه تامین اجتماعی، اقتصادی، حقوق و خانواده، که در بازنگری قانون سرخ افزایش دانش حقوق زنان، ایجاد مرکز مشاوره و امداد رسانی خانواده، بررسی تنگناهای قانونی مربوط به زنان و ... را در دست اجرا دارند.

با توجه به همین نقش سازنده مرکز، از سوی سازمان ملل متحد نمایه هایی برای ارائه وضعیت زنان ایرانی تعیین شد و برای مرکز مبنای کار قرار داده شد.

این نمایه ها مشتمل بر مواردی چون قوانین حامی زنان، وضعیت اقتصادی، بهداشت، اشتغال، آموزش، و رفع خشونت علیه زنان می باشد. در زمینه حفظ و ارتقاء حقوق بشر زنان در قوانین عادی طرح ها و لوایح هم می توان به مواردی چون تاسیس و گسترش دفاتر امور زنان در قوه قضاییه و در دادگاه ها و تامین زنان و کودکان بی سرپرست و حمایت مالی، فرهنگی، و اجتماعی از آنان اشاره کرد. (شریفیان، ۱۳۸۰: ۴۹۷)

نقش نظارتی سازمان های غیر دولتی داخلی در ایران

با ملاحظه ماده ۵۸۴ قانون فعلی تجارت ایران و ماده یک اصلاحی مصوب ۱۳۳۷ که از سازمان غیر دولتی به موسساتی که برای مقاصد غیر تجاری تاسیس شده اند یاد می کنند. (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۷۶)

و نیز با ملاحظه با تعاریفی که از سازمان های غیر دولتی حقوق بشری در ابتدای مبحث ملاحظه نمودیم، وجود سازمان ها غیر دولتی حقوق بشری در نظام حقوقی کشورمان، حالت بغرنجی به خود گرفته است، به طوری که برخی معتقدند در ایران اصولاً هنوز چنین نهادهایی تشکیل نشده و اصولاً جایگاه این سازمان ها مشخص نیست.

جهت تبیین و روشن نمودن سازمان های ملی غیر دولتی در زمینه حقوق بشر «در صورت وجود» کمیسیون حقوق بشر اسلامی به عنوان نهاد ملی حقوق بشر و سه نهاد دیگر یعنی انجمن های حمایت از زندانیان و ستاد دیه و جمعیت هلال احمر را مطالعه می کنیم:

کمیسیون حقوق بشر اسلامی

کمیسیون حقوق بشر اسلامی با توجه به نحوه تشکیل و اعضای آن، طبعاً یک سازمان غیر دولتی محسوب نمی شوند. شاید در ابتدا هدف طراحان آن تشکیل سازمان غیر دولتی بود، ولی بنا به مصلحتی، به خاطر توانایی انجام بهتر کار، قرار شد زیر نظر رئیس قوه قضاییه و با عضویت و ریاست وی بر کمیسیون تشکیل شود.

بنابراین، با این وصف، نمی توان یک سازمان غیر دولتی محسوب گردد. به طور کلی، پیرامون کمیسیون حقوق بشر اسلامی دو مقوله متصور است:

اول: کمیسیون حقوق بشر اسلامی به عنوان نهاد ملی حقوق بشری.

دوم: کمیسیون حقوق بشر اسلامی به عنوان سازمان غیر دولتی حامی ارتقای حقوق بشر.

در این زمینه توضیح مختصری می دهیم:

نهاد ملی حقوق بشر یک سازمان غیر دولتی نیست که از گروهی از افراد خصوصی تشکیل شده باشد، بلکه نهاد ملی در واقع در راستای وظیفه دولت ها در انجام وظایف حقوق بشری آنها تشکیل می شود، و در حقیقت منعکس کننده فعالیت های دولتی در زمینه حقوق بشر است، به عبارت دیگر، نهادهای ملی حقوق بشر، سازمان های خاص اداری هستند که شخصاً جهت حمایت

و ارتقاء حقوق بشر ایجاد شده و یک مقام مشورتی و کمک کننده به حکومت در زمینه حقوق بشر محسوب می شوند و طبق اصول پذیرفته شده در کنفرانس پاریس، این نهاد، توجه دولت را به گوشه هایی از کشور که نقض حقوق بشر در آنجا صورت می گیرد جلب می کند و پیشنهادات لازم را برای پایان دادن به این وضع به دولت بدهد.

بر این اساس کمیسیون حقوق بشر اسلامی را می توان همان طوری که نماینده ایران در سازمان ملل اعلام نمود، به عنوان نهاد ملی حقوق بشر محسوب نمود. هر چند که نامگذاری کمیسیون به عنوان نهاد ملی حقوق بشر هم با واکنش و مواضع مخالف برخی از مسئولیت بین المللی مواجه شده است.

انها دلیل مخالفت خود را چنین ابراز کرده اند که کمیسیون با پسوند اسلامی خود، حتی اگر هدفش ارتقاء حقوق انبای مختلف بشر در داخل و خارج کشور ایران باشد، با داشتن این پسوند، این توهم را به ذهن می آورد که اهداف که اهداف حمایتی و نظارتی کمیسیون در ارتقای معیارهای حقوق بشری، منحصر به مسلمانان است که البته در پاسخ نیز باید گفت این نام گذاری صرفاً به خاطر اعلام و تشریح نظرات دین مبین اسلام در برخی زمینه های ویژه صورت گرفته است و گر نه هیچ تمایزی بین مسلمانان و غیر مسلمانان چه در داخل و چه در خارج از جهت استفاده از اقدامات حمایتی و نظارتی کمیسیون وجود ندارد. در خصوص این مسئله که کمیسیون حقوق بشر اسلامی یک سازمان غیر دولتی در جهت حمایت از ارتقای معیارهای حقوق بشری می باشد یا خیر؟

باید بگوییم هر چند که با تعاریف سازمان های غیر دولتی حقوق بشری را یک بار دیگر کنکاش می کنیم. خلاصه ترین تعریفی که از سازمان دولتی بیان شد، این است که هر سازمانی که توسط حکومت تاسیس نشده و تحت نظارت حکومت نیست غیر حکومتی گفته می شود؛ و این شبه تعریفی است که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به طور سلبی از این سازمان ها به عمل آورده است؛ مبنی بر اینکه هر سازمان بین المللی که با موافقت نامه بین دول پدید نیامده باشد یک سازمان غیر حکومتی بین المللی غیر دولتی است و البته این مانع از آن نیست که شامل سازمان هایی باشد که افراد دارای مقامات حکمتی را به عضویت بپذیرد، لیکن این موضوع نباید لطمه ای به آزادی عمل این سازمان ها بزند، چون این سازمان ها تجلی انتظارات و نیازهای شهروندان جهانی هستند که در تحول دائمی است. بر این اساس، کمیسیون حقوق بشر اسلامی با عنایت به تاسیس آن به وسیله رئیس قوه قضاییه از شمول آن خارج می باشد. اما اگر به تعریف کنوانسیون ۱۹۸۶ استراسبورگ بنگریم، شاید کمیسیون حقوق بشر اسلامی، قدری با این تعریف نزدیک تر باشد، در این کنوانسیون آمده است: سازمان بین المللی غیر حکومتی به انجمن ها، بنیادها و سایر موسسات خصوصی که دارای شرایط زیر باشند اطلاق می شود:

۱- نه تنها بدون انتفاع، بلکه دارای نوعی منفعت بین المللی باشند.

۲- از طریق حقوق داخلی یکی از کشورهای مربوطه ایجاد شده باشند.

۳- دست کم در بیش از یک کشور فعالیت داشته باشند.

۴- در سرزمین یکی از متعاهدین ثبت و اقامتگاه قانونی آن در همان قلمرو و یا در کشور دیگر متعاهد باشد.

تعریف دیگری که در این زمینه وجود دارد، مربوط به رایان اتور در کتاب خود در زمینه سازمان های غیر حکومتی است که اظهار می دارد: یک سازمان غیر حکومتی، شخصیت غیر انتفاعی است که اعضای آن شهروندان، به منظور پاسخ گویی به نیازهای افراد جامعه ای است که سازمان مذکور با شهروندان این جامعه همکاری می نماید.

تعاریف اخیر الذکر، هر چند برخی کمیسیون حقوق بشر اسلامی را به مفهوم سازمان غیر دولتی نزدیک می سازد، ولی تعلق آن، به خصوص در هنگام اولیه، به نهاد قوه قضاییه آن را تحت شعاع قرار داده است و لذا قرار دادن آن در زمره نهادهای ملی حقوق بشر قابل قبول تر به نظر می رسد.



## نتیجه گیری

پس از ظهور زندان در اوایل قرن نوزدهم میلادی، روشنفکران و متخصصان عدالت کیفری به این مجازات نوپا بسیار خوش بین بودند. زیرا در تقابل با مجازات های قبل از آن، انسان دوستانه جلوه می نمود؛ اما دیری نپایید که انتقادهای نسبت به آن آغاز شد. زندان ها از همان بدو تاسیس با مسائل فراوانی روبه رو بودند و با گذشت زمان، مشکلات نمود بیشتری یافتند. امروزه جمعیت زندان ها به یک بحران جهانی تبدیل شده و راهکارهای فیلسوفان و کیفرشناسان برای حل معضلات این مجازات، راه به جایی نبرده است. زندان علاوه بر اینکه در تحقق اهدافی چون اصلاح و تربیت مجرمان و همچنین کاهش آمار جرایم موفق نبوده، خود نیز تبدیل به یک معضل شده است.

عدم توازن روابط قدرت در محیط حبس بین مقامات زندان و افرادی که در آن نگه داشته می شوند؛ احتمال سوءاستفاده از این قدرت را در بسیاری از موارد افزایش می دهد. با این حال از آنجا که زندان تنها «باید» سالب حق آزادی افراد باشد؛ مسؤولان آن در صورت نقض دیگر حقوق محبوسین، (که «در عمل» زندان ناتوان از آن نیست) اصولاً باید در برابر بزه دیده یا خانواده او و نیز جامعه پاسخگو باشند. توجه به این حقیقت که مستلزم پیشبینی و اجرای سازوکارهای نظارت و بازرسی است در سطوح ملی و فراملی مورد توجه مقامات سیاست جنایی قرار گرفته است. بدیهی است که هر چه فضای ذهنی مقامات قضایی و مدیران و کارکنان زندان در راستای تحقق اهداف مورد انتظار از کیفر حبس باشد؛ می توان اجرای الگوهای نظارت و بازرسی را انتظار داشت که شفافیت بیشتر را به دنبال دارد و برعکس، هر میزان که این افراد تمایل به ماندن در ناشناختگی و بسته گذاشتن درهای زندان داشته باشند؛ یا دست بالا برای پاسخ به افکار عمومی نظارت های درون سیستمی را به کار گیرند، چندان نمی توان به مسأله لزوم شفافیت در نحوه مدیریت زندانها و برخورد با محبوسان، پاسخی در خور داد. سازوکارهای نظارت بر محیط های حبس در نظام عدالت کیفری ایران بعد از انقلاب هرچند از سطح دستوالعمل های مقامات قضایی به سطح آیین نامه ها و قوانین توسعه پیدا کرده اما در عمل، دارای اثربخشی لازم نبوده است. به رغم گفتمان غالب مبتنی بر عدم پذیرش کنشگران رسمی نظام عدالت کیفری ایران در مورد وجود بازداشتگاههای خارج از نظارت، تحلیل محتوای گزارشهای رسمی موجود حاکی از وجود این محیط های سالب آزادی دارد که موضوع نظارت بر آنها منتفی است. در کنار شناسنامه دار بودن تمام مراکز سالب آزادی، مسائلی چون واکنشی نبودن نظارت و بازرسی این مراکز و مستقل بودن فرد یا گروه بازدیدکننده برای تضمین یک سازوکار نظارت واقعی ضروری است. به رسمیت شناختن سازوکارهای نظارتی سازوکارهای نظارت بر بازداشتگاهها خارج از سیستم قضایی و هرچه بیشتر پاسخگو نمودن مقامات اداره کننده زندانها و بازداشتگاه ها می تواند با ایجاد شفافیت بیشتر سوءاستفاده از قدرت و تعرض به حقوق محبوسان را کاهش دهد.

نتیجه این جستار نشان می دهد که علی رغم تلاش چشمگیری که مقنن برای رعایت حقوق زندانیان (با استفاده از نظریات و تجربه های جدید) نموده، آئین نامه خالی از اشکال نبوده و نواقصی را دربردارد. علاوه براین، ضمانتهای پیشبینی شده از سوی مقنن برای رعایت حقوق زندانیان، کافی نبوده و این دو امر، در کنار کمبود متخصصین و اعتبارهای مالی لازم، موجب شده تا در عمل، حقوق زندانیان در بسیاری از موارد، حتی در حد آئین نامه نیز رعایت نگردد. با توجه به این نکات، پیشنهاد شد که موارد نقص آئین نامه، اصلاح و ضمن تامین اعتبار لازم برای احداث زندانهای جدید و اجرای آئین نامه، کادر زندان از افراد متخصص و دلسوز تامین شده و همزمان با پیشرفتهای روز، دوره های ضمن خدمت نیز برای کارکنان زندان، برگزار شود. برای تضمین حقوق زندانیان نیز پیشنهاد شد تاهیاتهای بازرسی غیر وابسته به سازمان زندانها و دادگستری تشکیل گردد.



### منابع و مراجع

- ذاکریان مهدی (۱۳۸۳) مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، تهران، نشر میزان، چ اول.
- شریفیان جمشید (۱۳۸۰) راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- مهرپور حسین (۱۳۷۷) نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، چ اولف.
- هاشمی محمد (۱۳۷۲) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چ ۲، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.